

مردم انقلابی کردستان راه پیروزی را تجربه کردند

یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۱۶ می ۲۰۱۰

پارسا نیکجو

اکنون بیش از سه دهه است که دیگر کردستان فقط نام یک منطقه‌ی جغرافیایی در ایران نیست، بل قلب تپنده‌ی جنبش انقلابی مردم ایران است. پس از سرنگونی استبداد سلطنتی، کردستان از نخستین جبهه‌های مقاومت و پیکار انقلابی در برابر استقرار خون‌آلوده‌ی اسلامی بود. توده‌های کار و زحمت در کردستان با حضور گسترده‌ی خود در عرصه‌ی پیکار سیاسی، نخستین سنگربندی توده‌ای را در برابر ارتجاع تازه به قدرت رسیده‌ی پیاوردند. مردم کردستان به حاکمان اسلامی و نیروهای سازشکار هرگز این فرصت را ندادند که با چهره‌ی بزرگ کرده در انظار عمومی عرض اندام کنند. در نتیجه حاکمان ناگزیر شدند در ماه‌های حاکمیت خود، شمشیر از نیام برکشند و فرمان جهاد صادر کنند. فرمانی که به موجب و در پی آن، نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی اکنون بیش از سه دهه است در کردستان از کشته‌ها پُشته ساخته‌اند. در سه دهه‌ی گذشته به سبب گسترش روز افزون صفوف پیشرو توده‌ای و توده‌ی پیشرو، رژیم اسلامی هرگز لحظه‌ای فرصت و مجال نیافته بی سر نیزه و خنجر در کردستان جلوه‌نمایی کند. بر این پایه می‌توان گفت: کردستان جبهه و سنگری است که جمهوری خون و جنایت‌ ولایت اسلام و سرمایه هرگز نتوانسته آن را کاملاً فتح کند. به همین سبب است که در کردستان بیش از هر جای دیگر ایران، رژیم اسلامی در سی و یک سال گذشته، ناگزیر شده است عطای چهره‌ی حقوقی و قانونی دولت خود را به لقای دستگاه‌های سرکوبگر خود ببخشد. مردم کردستان در چشم حاکمان اسلامی غیر خودی‌ترین و بی‌حقوق‌ترین بخش مردم ایران هستند. و چنین بود که کردستان، از نخستین آینه‌هایی شد که چهره‌ی تمام‌قد و بی‌بزرگی حاکمان اسلامی و نیروهای سازشکار را آشکار و افشا کرد.

در سال‌های چوبه و دار شست، کردستان خطه‌ی تداوم حیات نیروهای سیاسی و سنگر مقاومت و پیکار آنان شد. در آن سال‌ها کردستان^۱ رنگین‌کمانی از نیروهای سیاسی ایران را در خود جای داده بود. بسیاری از فرزندان انقلابی ایران در مناطق آزاد کردستان، زنده‌گی‌ها از سلطه‌ی رژیم را تجربه کردند. مردم کردستان در آن سال‌ها سفره‌ی نان خود را با آنان قسمت کردند. بسیاری از آنان در کردستان

جان باختند و در آنجا به خاک سپرده شدند. کردستان سرزمین خون و خاطره‌ی جان باخته گان و مبارزان جان بر کفی است که با پیکار و مرگ خود^۰ آتش پیکار رهایی بخش را شعله ورتر کردند.

مردم کردستان هرگز در طول سالهای جنگ ویرانگر و ارتجاعی رژیم ایران و عراق، پیکار طبقاتی خود را قربانی دفاع طلبی‌ها و جنگ طلبی‌های بورژوازی نکردند. و به بهانه‌ی مقابله با تجاوزگر خارجی در کنار ارتجاع داخلی قرار نگرفتند. همچنان که به بهانه‌ی پیکار با ارتجاع داخلی هرگز چشم به راه ارتش عراق نبودند. کردستان در سالهای جنگ، نمادی از پیکار مستقل توده‌ای در برابر رژیم‌های جنگ افروز و جنگ طلب ارتجاعی بود.

در سالهای اخیر نیز جنبش کارگری در کردستان توانسته نقش در خوری در ارتقای کل جنبش کارگری ایران بازی کند. جنبش کارگری کردستان بستر شکل‌گیری رهبران و چهره‌های شاخص کارگری بسیاری شده است. کارگران پیشرو کردستان در جهانی کردن فریاد کارگران ایران سهم بسزایی داشته‌اند. همچنین جنبش زنان در کردستان در پیکار در برابر فرهنگ پدر- مردسالار دست‌آوردهای چشم‌گیری داشته است، به ویژه نقش آنان در پیوندیابی جنبش‌های اجتماعی- طبقاتی درخور توجه بوده است. مردم کردستان هر ساله با حضور فعال در فستیوال آدم برفی توانسته‌اند نقشی موثر در دفاع از حقوق کودکان ایفا کنند. در یک کلام می‌توان گفت، کردستان سنگر و جبهه‌ی ایده‌های انسانی و رهایی بخشی است که توده‌ای شده‌اند.

و اکنون بار دیگر مردم انقلابی کردستان، در اعتراض به اعدام پنج تن از فعالان سیاسی، با کاربست راه کار اعتصاب عمومی سیاسی در پیکار سیاسی - طبقاتی جاری در ایران^۰ گامی مهم به پیش برداشته است. گامی که می‌توان آن را جهشی در آگاهی انقلابی - انتقادی توده‌ای در پروسه‌ی پیکار سیاسی - طبقاتی ارزیابی کرد. کاربست راه کار اعتصاب عمومی سیاسی در کردستان بیان‌گر گذار از اعتراضات پراکنده به پیکار آگاهانه و سازمان‌یافته‌ی توده‌ای است. کردستان با کار بست این تجربه‌ی انقلابی، توان جنبش خود رهایی توده‌ای را به نمایش گذاشت. مردم کردستان گام فرا راه فردای جنبش انقلابی مردم ایران را امروز تجربه کردند. برای پاس‌داشت این تجربه‌ی انقلابی^۰ باید به کاربست آن در جنبش خود رهایی سراسری اندیشید، و گرنه این تجربه‌ی انقلابی هم به خاطره و حماسه‌ی انقلابی تبدیل خواهد شد که هر سال یاد آن را گرامی خواهیم داشت.